

نظریه هنجاری و الگوی ارتباطی «سلام آغاز» در ارتباطات کلامی درون فرهنگی اسلامی و مقایسه آن با سایر فرهنگها

ma13577ma@gmail.com

مصطفی همدانی / دانش‌آموخته خارج فقه و فلسفه حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۰۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۷

چکیده

گشودن باب ارتباط در فرهنگ‌های مختلف، دارای الگوهای متنوعی است که همواره مورد علاقه انسان‌شناسان و فرهنگ‌کاوان است. این پژوهش با روش تحلیلی - اسنادی و تتبع در آیات قرآن، تفاسیر و نصوص فریقین تلاش نموده است راهبرد اسلامی در آغاز ارتباطات را به‌عنوان یک نظریه هنجاری بر حسب مبانی معرفتی، اجزای فراگرد ارتباطی و روش‌های انگیزشی تدوین کند. سپس آن را با الگوهای آغاز ارتباط، در نمونه‌ای تا حد امکان نمایا از فرهنگ‌های جهان، که با روش هدفمند انتخاب شده مقایسه کند. نتایج تحقیق، تبیین مبانی معرفتی و اجزای فراگرد ارتباطی «سلام آغاز» و الگوی هنجاری آن در آغاز ارتباطات کلامی است. در این نظریه‌پردازی نشان داده شده است: اولاً، «الگوی ارتباطی سلام آغاز» به‌عنوان یک فراگرد ارتباطی کامل (خودبسنده) برای انتشار اسم الهی «سلام» و آثار آن، از امنیت و دوستی و ... است، نه فقط مقدمه ارتباط. ثانیاً، این الگو برخلاف تعاریف رایج از ارتباط، در پی اهداف اقناعی صرف نیست. ثالثاً، بدیلی در معنای مندرج در پیام این الگو در سایر فرهنگها وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: نظریه هنجاری، ارتباط درون فرهنگی، آغاز ارتباط، سلام، ارتباط سلام آغاز.

در ارتباطات انسانی در درون فرهنگ‌ها، نقطه آغاز دارای جایگاه خاصی است. در فرهنگ اسلامی، آغاز ارتباط کلامی با «سلام» است. این الگو ریشه در تعالیم انبیاء^{علیهم‌السلام} دارد. غریبان نیز که درباره آغاز ارتباط، تحقیقاتی انجام داده‌اند به این فرهنگ متعالی اسلامی توجه نکرده‌اند. برای مثال، مالینوسکی در نظریه «گپ کوتاه» یا «صحبت اولیه»، به‌عنوان «آغازگر» ارتباط، اولین مرحله از ارتباط میان فردی صمیمانه را بر اساس یک گفت‌وگوی احوال‌پرسانه تبیین می‌کند (مایرز و مایرز، ۱۳۸۳، ص ۳۲۹). این صحبت درباره مسائلی چون نام و شغل و رشته تحصیلی و محل سکونت و... است (برکو و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱)؛ اما این رویکرد نمی‌تواند توجیه‌گر آغاز ارتباط در همه فرهنگ‌ها باشد؛ زیرا روان‌شناسی اجتماعی و تقریباً همه روان‌شناسان اجتماعی و نیز همه داده‌ها، محصول اروپا و آمریکای شمالی است (تری یاندریس، ۱۳۸۸، ص ۳۶). بنابراین، آغاز ارتباط در فرهنگ‌های مختلف نیازمند مطالعات درون فرهنگی و مقایسه‌ای است.

علی‌رغم ارائه این راهبرد متعالی و پر راز و رمز از سوی انبیا، در بین فرهنگ‌های تابع انبیا این الگوی ارتباطی فراموش شده است، همان‌طور که برخی مسلمانان در ایران معاصر هم متأسفانه ارتباط خود را بدون سلام یا با الگوهای جایگزین و وارداتی چون «اشاره با اعضای سر»، انواع وقت‌بخیر چون «صبح‌بخیر» و «ظهر بخیر» و... احوال‌پرسی، و ... آغاز می‌کنند. ارتباطات دیجیتال (ایمیل و پیامک و ...) و بازنمایی رسانه‌ها در فیلم و سریال‌ها نیز به این روند نکوهیده دامن می‌زند. شاید بسیاری از افراد نیز که ارتباط خود را با سلام آغاز می‌کنند، تنها از برخی ابعاد فقهی چون استحباب سلام و وجوب پاسخ آن، اطلاع داشته و از ابعاد معرفتی، اجتماعی و فرهنگی آن بی‌خبر باشند.

برخی تحقیقات قرآنی و روایی معاصر، به تحلیل سلام در قرآن و حدیث پرداخته‌اند (ر. ک: چوبین، ۱۳۷۷؛ کریمی، ۱۳۷۸؛ جمشیدیان، ۱۳۸۳). اما این چند مقاله، تنها به گزارش نصوص دینی درباره موضوع بسنده کرده و گاهی فضائل ثواب‌جویانه و یا مباحث فقهی را بیان کرده‌اند. تحقیق فرارو چند تفاوت با این پژوهش‌ها دارد: اولاً، این تحقیقات به تحلیل اجزای فرایند ارتباطی مبادله سلام بخصوص پیام انتقال یافته توجه نداشته‌اند. ثانیاً، به مقایسه این روش آغاز ارتباط با سایر روش‌های آغاز ارتباط در سایر فرهنگ‌ها نپرداخته‌اند. ثالثاً، مبانی معرفتی سلام و نیز کارکردهای اجتماعی آن را بیان نکرده‌اند. رابعاً، فقط در منابع شیعه تفحص کرده‌اند؛ آن هم به شکل ناقص. در بُعد مقایسه ارتباط سلام آغاز در فرهنگ اسلامی، با سایر فرهنگ‌ها، فخررازی و به تبع او نظام نیشابوری، که خود معترف است تفسیرش متأثر از تفسیر فخررازی است، اولین فردی است که نقطه آغاز ارتباط در فرهنگ اسلامی را با چهار فرهنگ رایج در صدر اسلام (یهود، نصاری، مجوس و عرب جاهلی) مقایسه کرده است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۶۳؛ نظام

نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶؛ ج ۲، ص ۴۶۱). برخی مفسران معاصر نیز از اهمیت مقایسه این تحیت اسلامی، با تحیت‌های دیگر سخن گفته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴)؛ گرچه خود مقایسه‌ای انجام نداده‌اند.

این تحقیق با هدف معرفی راهبرد اسلام در آغاز ارتباطات کلامی، به این سؤال پاسخ می‌دهد که نظریه آغاز ارتباط کلامی در فرهنگ اسلامی چیست؟ این پرسش به چهار سؤال فرعی تجزیه می‌شود:

۱. مسلمانان در آغاز ارتباط کلامی با هم‌کیشان خود (ارتباط درون‌فرهنگی)، از چه سخنی استفاده می‌کنند؟
۲. نظریه هنجاری ارتباط سلام آغاز، دارای چه ابعادی است؟ به بیان دیگر، ابعاد معرفتی، اخلاقی، فقهی و آثار اجتماعی این راهبرد اسلامی، که در این پژوهش «ارتباط سلام آغاز» نام دارد، کدامند؟
۳. مدل ارتباطی ارتباط سلام آغاز چگونه تصویر می‌شود؟

۴. چه تفاوت‌هایی میان لفظ «سلام» به‌عنوان آغازین سخن در ارتباط کلامی با معادل‌های آن در دیگر فرهنگ‌ها، بر حسب پیام و معنای مندرج در آن وجود دارد؟

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است که علاوه بر تصویر آنچه هست، به دلایل چگونه بودن و چرایی مسئله و ابعاد آن می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۵۹-۶۱). برای انجام مقایسه، از روش تجزیه و تحلیل تطبیقی (Comparative Analysis)، یعنی بررسی به منظور دریافت وجود شباهت یا اختلاف بین دو پدیده، به‌عنوان یک روش خاص در تجزیه و تحلیل داده‌ها (اعرابی، ۱۳۸۲، ص ۱۰، ۱۱ و ۲۴) استفاده شده است.

در این مقاله از چند مفهوم اساسی استفاده شده است که عبارتند از:

فرهنگ: فرهنگ عبارت است از ارزش‌ها و هنجارهای یک گروه معین و کالاهایی که تولید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

فرهنگ اسلامی: آموزه‌های اسلامی که در قرآن و حدیث معصومان وارد شده و یا عقل سلیم به آن گواهی می‌دهد را «فرهنگ اسلامی» می‌نامیم. «حدیث» نیز عبارت است از: سخن و رفتار معصومان یا رفتار افراد غیر معصومی که مورد امضای معصومان قرار گرفته است (قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۹).

ارتباط: ارتباط عبارت است از: فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۵۷).

ارتباط کلامی: ارتباط کلامی عبارت است از: فرایندی که در آن منبعی زبان را به کار می‌گیرد تا معانی ویژه‌ای را به پیام‌گیران القا کند (میلر، ۱۳۸۹، ص ۹۴).

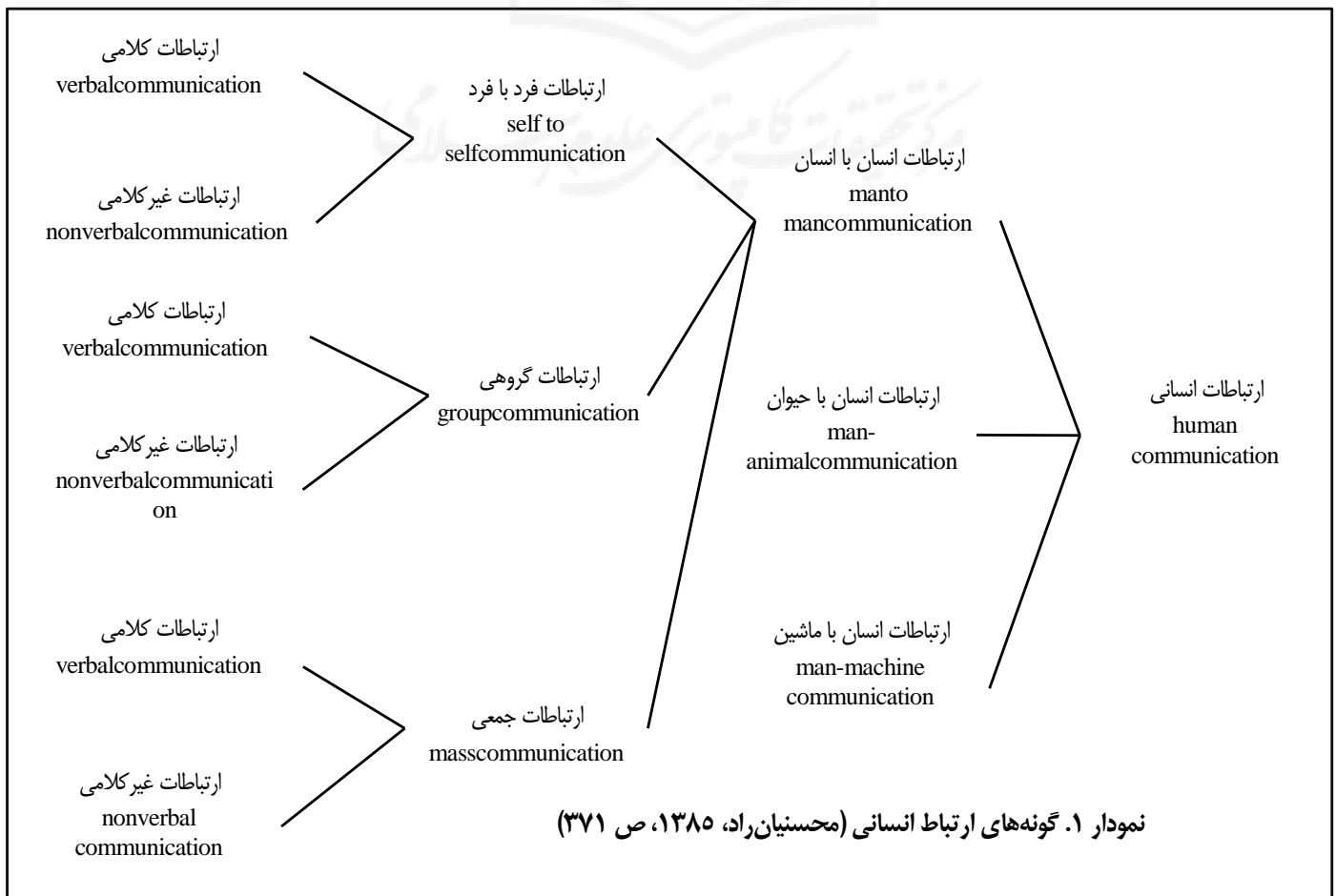
ارتباط درون‌فرهنگی: ارتباط بین دو نفر دارای علقه فرهنگی، ارتباط درون‌فرهنگی نام دارد (برکو و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹).

نظریهٔ هنجاری: نظریه‌های هنجاری در حوزهٔ ارتباطات، به این موضوع می‌پردازند که اگر قرار باشد ارزش‌های اجتماعی معینی رعایت شود یا تحقق یابد، فراگرد ارتباط چگونه باید برقرار شود (مک‌کویل، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

الگو: الگو در علوم انسانی به معنای نمونه، نقشه و طرح و ... است و دارای مناقشات مفهومی بسیار است (علی‌اکبری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۵). از کاربردهای الگو، شیوهٔ زندگی و مدل راهنمای رفتار (ابطحی و منتظر، ۱۳۹۱، ص ۹۷-۹۸) و نوعی طبقه‌بندی برای تجرید و مقوله‌بندی اجزای بالقوه ذی‌نقش در فرایند در قالب کلمات، اعداد یا تصاویر (میلر، ۱۳۸۹، ص ۷۲-۷۳)، یا همان نظریه یا بازنمایی نظری و ساده شده از جهان واقعی (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ص ۴۷، ۶۶ و ۶۷) است. حق این است که این معانی، هریک بسته به کاربرد الگو، درست هستند. در این تحقیق، مقصود از «الگو»، همان بازنمایی ساده از جهان واقعی در قالب نمودار و تصویر است.

نظریه ارتباط‌شناختی مرتبط

همان‌گونه که از نمودار ۱ برمی‌آید، ارتباط، دارای انواع گوناگونی است. یکی از انواع آن، ارتباط انسان با انسان است. ارتباطات انسانی، دارای چند ساحت است: ارتباطات میان‌فردی، گروهی و جمعی؛ هریک از این انواع نیز می‌توانند به شکل کلامی یا غیرکلامی باشند. آنچه از ارتباط در این مقاله مورد نظر است، ارتباط انسانی از نوع ارتباط انسان با انسان است که به شکل کلامی صورت گیرد.



در تعریف ارتباط، فرستنده، گیرنده و معنا (پیام)، ارکان ارتباط هستند. برخی بازگشت پیام یا بازخورد را هم به عناصر ارتباط افزوده‌اند (دادگران، ۱۳۸۵، ص ۲۳). البته تفاوتی بین معنا و پیام وجود دارد که چالش‌های فلسفی‌ای هم در چستی معنا ایجاد کرده است (ر.ک: محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۷۹-۱۸۶؛ سجویک و ادگار، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱-۲۵۳). در این تحقیق، با یکی دانستن محتوای پیام و معنا، از ورود در این مباحث پرهیز می‌کنیم، زیرا چالش‌های فلسفی یاد شده، تأثیری در فرایند ارتباط و اجزای پیام، که مفاهیم و سازه‌های مورد نیاز این تحقیق هستند، ندارد. فرستنده و گیرنده روشن هستند، اما پیام و بازخورد نیازمند توضیح هستند.

پیام

پیام عبارت است از: یک میزان سازمان‌یافته اطلاعات که توسط یک فرد، به قصد انتقال فوری یا آتی، به سایر افراد فرموله شده باشد (شکرخواه، ۱۳۷۲).

دقیق‌ترین تحلیل از اجزای پیام، تجزیه آن به اجزای سه‌گانه است:

رمز (کدهای پیام): هر گروه از نمادها به گونه‌ای ساخته می‌شوند که بتوانند برای برخی افراد معنادار باشند.

محتوای پیام: مطالب درون پیام که به وسیله منبع برای بیان هدف او انتخاب شده است.

نحوه ارائه پیام: تصمیم‌هایی که منبع ارتباط برای انتخاب و تنظیم و ترتیب کدها و محتوا می‌گیرد. برای مثال چه لغاتی را برگزیند یا آغاز پیام را چگونه انتخاب کند (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹-۱۹۰، ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴ و ۲۲۵).

بازخورد

«بازخورد» تعبیری است که به نادرست برای واکنش گیرنده پیام به پیام به کار می‌رود، درحالی‌که این واکنش، «پس‌فرست» نام دارد. بازخورد عبارت است از: ارزیابی فرستنده پیام از پس‌فرست و تنظیم مجدد پیام بر اساس آن ارزیابی (همان، ص ۳۴۸).

نظریه هنجاری اسلامی در آغاز ارتباطات کلامی (ارتباط «سلام آغاز»)

نظریه هنجاری اسلامی در آغاز ارتباطات کلامی دارای هشت بُعد است:

سلام، نماد آغاز ارتباط کلامی در فرهنگ اسلامی؛ مبانی معرفتی الگوی ارتباطی «سلام آغاز»؛ گستره ارتباط‌گران (فرستنده و گیرنده) در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»؛ سازه‌های پیام در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»؛ بازخورد در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»؛ پایان ارتباط در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»؛ آثار ارتباط «سلام آغاز»، در بهینه‌سازی ارتباطات اجتماعی؛ روش‌های انگیزشی در فرهنگ‌سازی بر اساس الگوی ارتباطی «سلام آغاز».

الف. سلام، نماد آغاز ارتباط کلامی در فرهنگ اسلامی

ارتباط سلام آغاز، تحیت جاودان الهی است که ریشه در نبوت دارد. همان طور که خدای متعال به حضرت آدم علیه السلام و فرزندان وی دستور آغاز ارتباط با سلام را داده است (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳، ص ۵۰۴). سلام، تحیت فرشتگان دیدارکننده با حضرت ابراهیم علیه السلام (ذاریات: ۲۵) و تحیت مؤمنان و فرشتگان در بهشت است (رعد: ۲۳ و ۲۴؛ زمر: ۷۳؛ ابراهیم: ۲۳).

اسلام در احیا و گسترش این الگوی ارتباطی و تبیین ابعاد معرفتی، تربیتی و اجتماعی آن کوشش بسیار نموده است. عبدالله بن سلام می گوید: وقتی رسول خدا وارد مدینه شد، اولین چیزی که از او شنیدم این سخن بود: اهل نماز شب، صله ارحام، خوش سخنی با مردم و اطعام طعام باشید و سلام پراکنی (سلام بر همه) را هم با این امور بیامیزید تا بی هیچ مشکلی در سلامت کامل، به بهشت بروید (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۳۷). ایشان درباره تحیت اعراب یعنی «انعم صباحاً» و «انعم مساءً» فرمودند: «خداوند تحیتی بهتر از آنکه تحیت اهل بهشت است، یعنی «السلام علیکم» را به ما داده است» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۵۵). امام علی علیه السلام نیز دوست نداشتند کسی بگوید «حَيَّاكَ اللَّهُ» [حق سبحانه و تعالی تو را زنده دارد، یا مالت بیخشد یا سلامت بدارد] (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۳۶۱)، مگر اینکه این تحیت را با افزودن سلام تکمیل کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶).

ب. مبانی معرفتی نظریه هنجاری «سلام آغاز»

رفتار و اعتقادات هر جامعه را باید بر اساس مفاهیم و ارزش های خاص آن جامعه مطالعه نمود (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۴۴). بر مبنای این انگاره جامعه شناختی، لازم است هرگونه تحلیل درباره ارتباط سلام آغاز، در فرهنگ اسلامی طبق نگرش معرفتی اسلام به این مقوله صورت گیرد، نه از منظر نظریات ارتباطی رایج که بسا سلام را به یک لفظ ساده به عنوان خرده فرهنگی کم اهمیت همچون سایر الگوهای رایج در آغاز ارتباط فروبکاهند. از سوی دیگر، آموزه های اسلامی بر سه دسته هستند: معارف نظری در ابعاد اعتقادی (معرفت الهی، انبیا و معاد)، ارزش های اخلاقی، رفتارهای فقهی (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۳۳). مقصود از «نگرش معرفتی»، نگرش های نظری است که در اینجا در بُعد توحیدی و معرفه الهی لحاظ شده است.

سلام، در لغت به معنای عافیت (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۸۹) و در عرف قرآن کریم، از اسماء حسنی الهی است: «هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ» (حشر: ۲۳)؛ به این معنا که خدای متعال، با موجودات با عافیت و بدون شر و ضرر رساندن برخورد دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۲۲). دستور سلام به عنوان عنصر آغازین هر ارتباط مستند به همین نام الهی است؛ زیرا قرآن کریم، سلامی را که مردم به هم نثار می کنند، از ناحیه خدای متعال دانسته (نور: ۶۱) و رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «سلام، نامی از نام های خداوند است. پس شما آن را در بین خود پخش کنید» (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۹۹؛ بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸). امام باقر علیه السلام هم سلام کردن را مشتمل بر اسم الهی «سلام» می دانند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۷).

بنابر آنچه گفته شد، بخصوص با تأمل در آیه شریفهٔ سورهٔ حشر (حشر: ۲۳)، که به مقتضای قواعد ادبی دلالت بر انحصار حقیقت «سلام» در حق تعالی دارد، منشأ سلام، تنها ذات مقدس الهی است. به همین دلیل وقتی اصحاب پیامبر اسلام ﷺ در پایان نماز می‌گفتند: «السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ»، ایشان فرمودند: چنین نگویند؛ زیرا خداوند خود همهٔ سلام و همواره سلام است [پس معنا ندارد از غیر او به او سلام برسد] (نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۷۷). همچنین، حضرت خدیجهؓ و حضرت فاطمه زهراؓ، وقتی با ابلاغ سلام خدای متعال و حضرت جبرئیلؑ مواجه شدند، پاسخی ناظر به این اصل عرضه داشتند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۹). خدای متعال به بهشتیان نیز ابلاغ سلام می‌کند و آنان وقتی به ملاقات خداوند می‌روند، همین پاسخ را در آغاز سخن خود عرضه می‌دارند (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۲-۲۱۳).

امام خمینیؑ در تفسیر سلام، به‌عنوان یکی از اسماء اللّه و وجود عاریتی آن در بین موجودات، به آثار ارتباط‌شناختی این رهیافت معرفتی توجه نموده است: «این مسئله اشاره به مظهریت موجودات از اسماء‌الله است و باید انسان این لطیفه‌الاهیه یعنی حقیقت «سلام» را که در باطن او نهفته است، اظهار کند و در همهٔ عقائد و اخلاق و رفتار و ارتباطات به کار برد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۳۶۸-۳۶۹). اینجا است که حقیقت اسم «سلام» را در همهٔ موجودات ساری دیده، با آنها با تحقق به حقیقت سلام معاشرت کرده و عالم را دارالسلام و مظهر «السلام» مشاهده خواهد نمود (همو، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳-۱۱۴).

ج. گسترهٔ ارتباط‌گران (فرستنده و گیرنده) در نظریهٔ هنجاری «سلام آغاز»

این الگو در حوزهٔ درون‌فرهنگی اسلامی، دارای شش ساحت است:

۱. ارتباط انسان مسلمان با خدای متعال: خدای متعال بر انسان‌های وارسته سلام می‌فرستد. پاسخ ایشان نیز پاسخی خاص است که در مبانی معرفتی بیان شد. به‌عنوان آغاز ارتباط از ناحیهٔ مسلمان با خدای متعال نیز توصیه‌ای به آغاز با سلام یافت نشده است. اما توصیه شده است در پایان نماز و پس از سلام، این ذکر گفته شود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۷۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۶۰). همچنین در زیارت امام حسینؑ، توصیه شده است پیش از سلام بر پیامبر و ائمهٔ هدیؑ همین ذکر گفته شود (مفید، ۱۴۱۳ق (ب)، ص ۱۰۴). در برخی نمازهای مستحبی نیز وارد است که همین ذکر پس از نماز گفته شود. سپس درخواست پاسخ از خدای متعال شده است: «حَيِّناً رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ»؛ پروردگارا، تو نیز پاسخ تحیت ما را با سلام مرحمت فرما (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۲۲).

۲. ارتباط انسان مسلمان با ارواح انبیا و اولیای الهی: هر مسلمانی که به ایشان سلام کند، پاسخ او را خواهند داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۲۹۵).

۳. ارتباط انسان مسلمان و فرشتگان حق: فرشتگان در بهشت با سلام بر مؤمنان با ایشان مواجهه دارند (رعد: ۲۳ و ۲۴؛ زمر: ۷۳) و در دیدار انبیا در دنیا همچنین عمل کرده‌اند (ذاریات: ۲۵). مؤمنان نیز در زیارت امام حسینؑ

بر فرشتگانی که در حرم آن حضرت اقامت دارند و منتظر فرارسیدن فرصت یاری امام در دوران ظهور هستند، سلام می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۲).

۴. ارتباط مسلمان با خود: مؤمنان در پایان نماز به خود سلام می‌کنند. همچنین، در روایت است هرگاه به منزل خود وارد شدید، اگر کسی هم در خانه نبود، به خود سلام کرده و بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۵).

۵. ارتباط انسان مسلمان با مسلمان دیگر: این ارتباط که میان فردی درون فرهنگی است، بین انسان زنده و مرده، زن و مرد، کودک و بزرگ صورت می‌گیرد.

۶. ارتباط فرد یا گروهی از مسلمانان با گروهی دیگر از مسلمانان: این ارتباط که ارتباط گروهی و جمعی است، مانند ارتباط قبل گسترده است؛ چه از طریق گروهی انجام شود یا با وسایل ارتباط جمعی.

ساحت‌های مختلف ارتباط‌گران در الگوی ارتباطی «سلام آغاز» در نمودار ۲ ارائه شده است.

نمودار ۲. گستره ارتباط‌گران در الگوی ارتباطی «سلام آغاز» (منبع: نگارنده)



د. سازه‌های پیام در نظریهٔ هنجاری «سلام آغاز»

عناصر پیام در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»، با اقتباس از نظریهٔ ارتباطی پیش گفته، در سه محور زیر ارائه می‌شوند: محور اول، رمز یا کدهای پیام: لفظ «سلام» باید طبق شکل‌هایی خاص که در نحوهٔ ارائهٔ پیام بیان خواهد شد، به کار رود و استفاده از غیر آنها چون اشارهٔ کف دست و انگشتان و ابرو مجاز نیست (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۸۰).

محور دوم، محتوای پیام: «السلام علیکم» به معنای سلام الله علیکم است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲۱؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۴۳۷)؛ پس نوعی ذکر خدا یا دعا کردن برای سلام گیرنده است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲۱)؛ به این معنا که در سلام، علاوه بر احترام طرف مقابل، یادی از خدا نیز وجود دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۴۳۶-۴۳۷). با توجه به معنای اسم سلام الهی، که در مبانی

معرفتی گفته شد، این دعا به این معنا است که عافیت الهی و سلامت و دوری از هر ضرر و شری بر شما باد. بنابراین، اگر در روایت آمده است که سلام دادن مؤمنان به هم، به این معنا است که طرفین به هم می‌گویند: من بر عهدی که خداوند با من درباره تو دارد، پایبند هستم؛ یعنی غیبت تو را نکنم و عیب‌جویی‌ات ننمایم و خواهان زمین خوردن تو نباشم (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۹۹)، بیانگر همین معنا از سلام و از مضامین ضمنی آن است. همان‌طور که برخی مفسران و شارحان قرآن و حدیث معتقدند: در سلام کردن، سلامتی سلام گیرنده در همه چیز، اعم از دین و ایمان و جسم و جان و سلامت اجتماعی، او را از خداوند تقاضا می‌کنیم (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲۵، ص ۳۸۸؛ مکارم و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۴۳۶-۴۳۷). همچنین القای امنیت به سلام گیرنده وجود دارد؛ یعنی جان و آبرو و مال او از تجاوز سلام کننده در امان است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۱).

در این زمینه از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: سلام، نامی از نام‌های خداوند متعال است که در میان خلق خود به ودیعت نهاده تا معنای آن را در روابط خود به کار برند... و کسی که سلام را به کار می‌برد، باید دوست و سپس دشمنش از جانب وی در سلامت باشند و گرنه در سلام گفتنش، دروغ‌گو است؛ هر چند در میان مردم، لفظ سلام را همواره به کار برد (مصباح‌الشریعه، ص ۹۵-۹۶). این روایت، گرچه قدری خدشه‌سندی دارد، اما مضمون آن مورد قبول علمای بزرگ اسلامی است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۹۳-۳۹۴؛ غزالی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲). طبق مبانی علم حدیث، این تأیید، نوعی تقویت اعتبار این روایت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۶).

محور سوم، نحوه ارائه پیام: روش ارائه پیام در ارتباط سلام آغاز، بر حسب الفاظ پیام، پاسخ آن، سن و سال و جنسیت و وضعیت اجتماعی ارتباط‌گران، دارای مباحثی به این شرح است:

سلام کردن باید با الفاظ متعارف در عرف و شرع و طبق قواعد عربی باشد؛ یعنی با الفاظی چون «سلام علیک» و یا «سلام علیکم» انجام شود (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱، ص ۹۵). طبق روایات، سلام کردن به یک مسلمان را می‌توان با صیغه جمع (سلام علیکم) انجام داد؛ زیرا افراد دیگر همراه وی هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۵). مقصود از «افراد دیگر»، فرشتگانی چون ملائکه موکل و کاتب اعمال و... است که همراه انسان هستند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۵۹۷-۵۹۸).

اصل سلام کردن مستحب است، اما پاسخ آن واجب است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۴). بهتر است پاسخی زیباتر از سلام داده شود (نساء: ۸۶)؛ یعنی طبق روش پیامبر عمل شود: اگر کسی می‌گفت: «سلام علیکم»، می‌فرمودند: «سلام علیکم و رحمة الله». اگر کسی می‌گفت: «سلام علیکم و رحمة الله»، در پاسخ می‌فرمودند: «سلام علیکم و رحمة الله و برکاته». اگر می‌گفت: «سلام علیکم و رحمة الله و برکاته»، تنها می‌فرمودند: «علیک»؛ زیرا آن شخص، سلام را کامل ادا نموده و چیزی باقی نگذاشته است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۸).

از نظر سن و سال، توصیه شده است کوچکتر بر بزرگتر سلام کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۷؛ ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۴، ص ۳۵۹)؛ اما پیامبر اکرم ﷺ، خود بر کودکان سلام می‌کردند و سفارش می‌کردند به این سنت عمل شود (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۷۲). این دو حدیث با هم تنافی ندارند؛ زیرا روایت اول، ناظر به وظایف کودکان است که باید به بزرگترها احترام کنند و روایت دوم ناظر به ایجاد حس ترحم یا تواضع در بزرگترها، نسبت به کودکان یا تعلیم آنان است. به هر حال، هر دو هم موظف به ادای تکلیف خود هستند.

از نظر حالات اجتماعی، توصیه شده است ایستادگان بر نشسته‌ها سلام کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶-۶۴۷) و آنکه در عبور است، بر کسی که نشسته سلام کند و سواره‌ها، بر پیاده‌ها سلام کنند (همان؛ ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۴، ص ۳۵۹). راکبان مرکب گرانتر چون اسب بر راکبان مرکب ارزانتر، چون قاطر سلام کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶-۶۴۷).

در ارتباطات درون‌گروهی، توصیه شده است، وارد شونده بر یک جمع، باید بر آنان سلام کند (همان). آنان که تعداد کمتر دارند بر گروهی که بیشتر هستند سلام کنند (همان). همچنین، ارتباطات میان‌گروهی، اگر یک نفر از گروهی، بر گروهی سلام کند، یا پاسخ سلام بدهد، به جای آن گروه کافی است (همان).

این نوع روایات که در مراعات مراتب در سلام کردن توصیه شده است، برای رعایت حقوق است. رعایت حقوق افراد صاحب فضیلت، امری لازم است، اما آنان هم از ابتلا به خودبینی و تعدی بر زیردست نهی شده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۴).

در ارتباط بین دو جنس، به مردان توصیه شده است به زن سلام مکن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۵). امام علیؑ کراهت داشت بر زنان جوان سلام کند (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۹۷)؛ اما پیامبر خدا، به زنان هم سلام می‌کرد (همان؛ ابوداؤد، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۵۲). فقهای شیعه هم معتقدند: تنها کسی مجاز است بر زنان سلام کند که با سلام کردن تحریک شهوانی نشود. امام علیؑ نیز گویا در مقام تعلیم این قاعده به اصحاب خود بودند.

سلام دادن به اموات در قبرستان نیز به‌عنوان اولین نقطه آغاز ارتباط با ایشان، در دستورات اسلامی سفارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۲۹۶).

برخی افراد هستند که گرچه مسلمان هستند، اما از سلام کردن بر ایشان نهی شده است:

گروهی از اهل معصیت؛ یعنی شراب‌خواران و اهل قمار و افراد تهمت زننده به پاکدامنان و گناهکارانی که آشکارا گناه می‌کنند و رباخواران (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۸۴). این نهی، به جهت نهی از دوستی با آنان و دل سپردن به ایشان و نوعی نهی از منکر است.

گروهی از افراد در حال خاص؛ یعنی کسی که در حال نماز (جمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۹۴)؛ یا تشییع جنازه می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶)؛ یا در راه رفتن به نماز جمعه (همان)؛ یا در حمام (همان)؛ یا دستشویی (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۸۴) هستند، سلام دادن به این‌گونه افراد هم نهی شده است.

ه. بازخورد در نظریه هنجاری «سلام آغاز»

اگر کسی پاسخ سلام خود را دریافت نکرد، اولاً، نباید به آن فرد بدبین شود؛ زیرا ممکن است آهسته پاسخ داده باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۵)؛ گرچه سلام و پاسخ را باید بلند گفت (همان)؛ همان طور که پیامبر اکرم ﷺ وقتی شب به منزل وارد می شدند، به گونه ای سلام می کردند که خفته ای را بیدار نکنند. در عین حال، افراد بیدار هم صدای او را بشنوند (مسلم، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۲۵). ثانیاً، در روایت است که اگر به کسی سلام کردی و جوابت نداد، کسی که از او بهتر و پاک تر است [فرشته یا خدای متعال] پاسخت خواهد داد (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۹۹؛ بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸).

و. پایان ارتباط در نظریه هنجاری «سلام آغاز»

اسلام توصیه کرده است، هنگام برخاستن از نزد مسلمانان نیز با سلام وداع با ایشان خداحافظی کنید (ابن اشعث، بی تا، ص ۲۲۹) تا اگر پس از شما، هر گفت و گوی خیری انجام دادند، از آن بهره برید. اگر هم سخنان بدی را گفتند، از شر آن در امان مانید (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶).

ز. آثار ارتباط «سلام آغاز» در بهینه سازی ارتباطات اجتماعی

استفاده از تقویت های دوستانه در ارتباطات میان فردی، مانند دست دادن، لبخند زدن، و... موجب می شود مخاطبان ما احساس آرامش کنند (هارجی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷). علاوه بر این، روش های امنیت بخشی در آغاز ارتباط، که مورد تأکید روایات نیز هستند، توصیه اسلام، استفاده از ارتباط «سلام آغاز»، پیش از این ارتباطات غیرکلامی است. به طور کلی، سلام کردن موجب امنیت اجتماعی است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۲). طبق سفارش قرآن، لازم است مؤمنان پیش از وارد شدن بر خانه هایی غیر از منزل خود، به اهل آن سلام کنند (نور: ۲۷)؛ زیرا هرگاه کسی وارد بر دیگران شود، نوعی هراس ناآشنایی در آن افراد ایجاد می کند که با سلام کردن به آنان، تسکین می یابد (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۲). سلام کردن موجب ایجاد روابط دوستانه می شود؛ زیرا روش دگردوستی این است که مسلمانان، سلام را در بین خود گسترش دهند (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۸). روش آشتی دادن افراد قهر نیز سلام کردن به هم است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۵۲).

ح. روش های انگیزشی در فرهنگ سازی بر اساس نظریه هنجاری «سلام آغاز»

این روش ها، دارای گستره وسیعی از انگیزش های دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی به شرح زیر می باشد:

– نقش والای ارتباط «سلام آغاز» در ارتقای ایمان و طهارت درون: سلام پراکنی در بین همه مردم، بهترین اخلاق اهل دنیا و آخرت است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۱۲). در مقابل، کسی که سلام را

ترک کند، بخیل ترین مردم است (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۲۰۰). سلام کردن موجب آمرزش گناهان (طبرانی، بی تا، ج ۲۲، ص ۱۸۰) و نشانه تواضع (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۶) و یا ریشه تواضع (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۲۰۰) است. رسول خدا ﷺ، سلام کردن به همه را در کنار شب زنده داری به عبادت و اطعام را از درجات والای ایمان بر شمرده اند (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۳۷)، بلکه آن حضرت سوگند خوردند که از عوامل انحصاری در تقویت ایمان، گسترش سلام در جامعه است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۸).

- تأثیر در بهینه سازی روابط اجتماعی.

- یک حق اجتماعی: اولین حق از حقوق شش گانه مسلمان بر سایر مسلمان، سلام کردن بر او به هنگام دیدار است (مسلم، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۰۵). تعبیر به «حق»، در این حدیث، افراد را به نوعی ملزم می کند تا در ادای این حق بکوشند. همان گونه که مقدم کردن این حق بر سایر حقوق، دلالت بر اهمیت آن در ایجاد ارتباطی دور از زیان بینی و زیان رسانی دارد.

- ثواب های اخروی ارتباط «سلام آغاز»: سلام کردن به همه، موجب افزایش نیکی ها (مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ص ۶۰)، نوعی صدقه (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۹)، برای حاجیان موجب قبولی حج است (بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۲۶)، بلکه اگر کسی اهل نماز شب، صله ارحام، خوش سخنی با مردم و اطعام طعام باشد، سلام پراکنی را هم با این امور بیامیزد، بی شک در امنیت و سلامت کامل به بهشت خواهد رفت (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۸۷؛ بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۱، ص ۱۸۲).

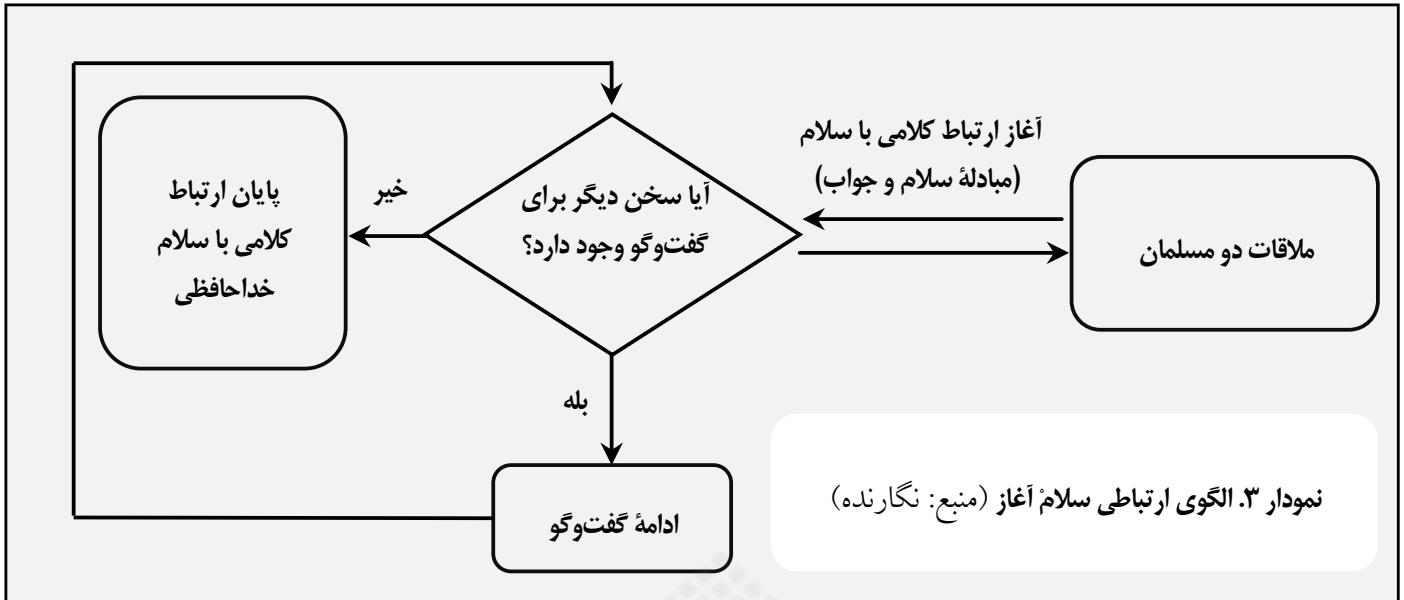
- آثار مادی ارتباط «سلام آغاز»: سلام کردن بر اهل خانه، که مورد تأکید است (نور: ۶۱؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۲)، موجب نزول برکت و انس فرشتگان است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸۳).

- تشویق به سبقت در «سلام آغاز»: سلام هفتاد ثواب دارد که شصت و نه ثواب برای سلام دهنده و یک ثواب برای پاسخ دهنده است (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۹۷). کسی که آغازگر سلام باشد، بر پاسخ دهندگان برتری دارد (بیهقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۱، ص ۱۹۸). او از تکبر پاک است (همان، ص ۲۰۱) و به خدا و پیامبر نزدیک تر است تا کسی که پاسخ دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۵؛ ابوداؤد، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۱).

- تنبیه اجتماعی بر ارتباط گری خارج از الگوی ارتباطی «سلام آغاز»: طبق روایات شیعه و سنی، هر کس بدون سلام آغاز سخن کرد، نباید به او پاسخ داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۴؛ سیوطی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۸۵). طبق نقل دیگر، اصلاً نباید اجازه سخن گفتن به او داد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۶). همچنین، کسی را به غذایت دعوت نکن، تا سلام کند (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۹۹).

مدل ارتباط کلامی در نظریه هنجاری «سلام آغاز»

با توجه به ارزش‌های حاکم بر ارتباط سلام آغاز، الگوی هنجاری ارتباطی سلام آغاز را می‌توان با عنوان یک الگوریتم در نمودار ۳ ترسیم شده است.



در این الگوریتم، سلام به‌عنوان یک چرخه ارتباطی کامل (خودبسنده) شامل فرستند پیام، گیرنده پیام، معنا و پیام است. همچنین به‌عنوان نقطه آغاز یک چرخه ارتباطی نشان داده شده است.

مقایسه‌ای میان نظریه هنجاری «سلام آغاز» و الگوهای آغاز ارتباط در سایر فرهنگ‌ها

در این بخش از تحقیق، روش آغاز ارتباط در چند فرهنگ جهان (از غرب و شرق و خاورمیانه) به‌عنوان نمونه ارائه می‌شود. در ادامه، به مقایسه این الگوها، با الگوی اسلامی پرداخته می‌شود.

الگوهای ارتباطی غیراسلامی

در این قسمت، آغاز ارتباط در چهارده فرهنگ جهان معرفی می‌شود.

الف. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان انگلیسی

کشورهای انگلیسی‌زبان، ارتباط کلامی را با «hello» آغاز می‌کنند که معمولاً به «سلام» ترجمه شده است (آریان‌پور، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴۵). اما این واژه، هرگز به‌معنای سلام نیست، بلکه دارای سه کاربرد است (سندرا آندرسون، ۲۰۰۵، ص ۷۳۴) که عبارتند از:

- بیان تبریک مورد استفاده در ملاقات دوست یا در شروع یک تماس تلفنی (an expression of greeting)
- (used on meeting a person or at the start of a telephone call).
- سخنی برای جلب توجه کردن (a call used to attract attention).
- عبارتی برای بیان تعجب (an expression of surprise).

ب. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان فرانسه

در زبان فرانسه، ارتباط کلامی را با «Bonjour» و «Salut» آغاز می‌کنند (مارسل، ۱۹۹۷، ص ۸) که «Bonjour» به معنای روزبخیر (ژیلبر و قوام‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱) و «Salut» به معنای سلامت جسم است (پارسایار، ۱۳۸۵، ص ۷۷۴).

ج. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان آلمانی

آلمانی‌ها در آغاز گفت‌وگوی خود می‌گویند: «Hallo» و معادل «hello» در انگلیسی است (مولر و میلر، ۲۰۰۰، ص ۶۰).

د. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان روسی

روس‌ها در آغاز گفت‌وگوی خود، از دو کلمه استفاده می‌کنند: در روابط رسمی و با افرادی که ارتباط صمیمانه ندارند، از «здрáвствуйте» (= zdrah-stvooy) استفاده می‌کنند و از لفظ «Привéт» (pree-vyet =) برای سلام در روابط نزدیک و دوستانه‌تر استفاده می‌کنند (ایرینا و آلیستر، ۲۰۰۶، ص ۷، ۷۸؛ کافمن و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۶۹-۷۰). این دو لفظ، به معنای سلامت جسمی است (وسکانیان، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴ و ۵۲۳). برخی گفته‌اند: مقصود از این درود و سلامت بودن هم نوعی خوشامدگویی است (کافمن و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۶۹-۷۰).

و. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان پرتغالی برزیلی

در آمریکای جنوبی، گویشگران زبان پرتغالی برزیلی، در آغاز ارتباطات معمولی از «Oi» استفاده می‌کنند و در آغاز ارتباطات رسمی از «Olá» استفاده می‌کنند (ویتلام، ۲۰۱۳، ص ۲۱۵) و همان معنای جلب توجه را دارند که در آغاز ارتباط به زبان انگلیسی گفته شد؛ لذا اگر ارتباط‌گر پشت تلفن باشد از «alô» استفاده می‌کند (همان، ص ۲۲۳). همان‌گونه که موقعیت (پشت تلفن) نیز تأیید می‌کند و نیز با توجه به مباحث معنای «Hello» که گفته شد، این لفظ هرگز به معنای سلامت بودن جسمی هم نیست، بلکه برای جلب توجه است که در عبارات فارسی هم به «هی!...» ترجمه می‌شود.

ز. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان اسپانیایی

گویشگران اسپانیایی، در آغاز ارتباط کلامی، از «ihola» [= ola] استفاده می‌کنند. گویشگران اسپانیایی ساکن آمریکای جنوبی نیز از «aló» استفاده می‌کنند (کسز و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۳۴ و ۷۰)، که مشابه همان اصطلاح پرتغالی است.

ح. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان مصریان قدیم

مصریان قدیم به هنگام برخورد با هم، به جای اینکه به یکدیگر سلام کنند، دست خود را تا زانو خم کرده و تعظیم می‌کردند (هردوت، ۱۳۸۲، ص ۲ و ۱۷۱).

ط. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان عربی

اعراب پیش از اسلام، در آغاز ارتباط کلامی از جمله «انعم صباحاً» و «انعم مساءً» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۵۵؛ آلوسی، ۱۹۲۴، ص ۱۹۲)، یا از تعابیری چون «حیاک الله» یا: «حیاک» (جوادعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۲۷) استفاده می‌کردند که به معنای «صبح بخیر»، «عصر بخیر» و «زنده باشی» هستند.

برخی مفسران معاصر، با استناد به اشعاری معتقدند: اعراب جاهلی هم تعبیر لفظی «سلام» وجود داشته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴). صاحب المیزان، شعر مورد نظر را نقل نکرده، اما تفسیر نمونه آن را به عنوان شعر جاهلی نقل کرده است؛ در حالی که توبه بن الحَمیر، که شعر فوق را سروده، در دهه هفتاد هجری از دنیا رفته است (ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۶۲-۱۶۳). لذا متعلق به دوران اسلام است نه جاهلیت؛ پس سلام را هم از اسلام اخذ کرده است.

تفسیر المیزان، با استناد به سخنی از *لسان العرب* و نیز حکایت کردن سلام از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن، به وجود سلام قبل از اسلام معتقد است و سلام موجود نزد اعراب را از بقایای سنت ابراهیمی می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۲). اما استناد به *لسان العرب*، به عنوان یک فرهنگ لغوی، در برابر نقل‌های تاریخی مختلفی که در آنها الگوی آغاز ارتباط در بین اعراب را جز سلام دانسته‌اند، صحیح به نظر نمی‌رسد. البته وجود این الگو در شریعت ابراهیمی قابل انکار نیست، اما به نظر می‌رسد در بین اعراب آن زمان نیز فراموش شده است؛ زیرا ارتباط سلام آغاز، تحتیتی ازلی و ابدی است که ریشه در نبوت دارد. از این رو، در همه ادیان الهی حضور داشته است؛ اما این الگوی ارتباطی در بین پیروان آنان دستخوش جایگزینی شده است. همان گونه که حضرت موسی علیه السلام، وقتی به دیدار حضرت خضر علیه السلام رفت، به او سلام نمود. فرمود: تو کیستی؟ در این سرزمین سلام کردن مرسوم نیست (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۲).

ی. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان عبری

در زبان عبری، پیش از صبح بخیر، عصر بخیر و شب بخیر، از تعبیر «שלום» برای آغاز ارتباط استفاده می‌کنند و کاربردی شبیه «خوش آمدید» دارد (عونی عاشور، ۱۹۹۴، ص ۳۷) و به معنای «حال شما چطور است؟» و «تندرستی؟» نیز در آغاز ارتباط به کار می‌رود (تیرکل، بی‌تا، ص ۱۹ و ۵۸؛ حثیم، ۱۳۶۰، ص ۵۵۵).

ک. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان ترکی استانبولی

گویش گران ترکی استانبولی، در اولین برخورد با هم می‌گویند «Merhaba» (بیلماز و سوزر، بی‌تا، ص ۵) و در روابط دوستانه‌تر «selām» به کار می‌برند (ترانو، ۲۰۱۲، ص ۱۶) که همان سلام موجود در فرهنگ عربی - اسلامی است. البته معنای مورد درک آنان، سلامت جسمی است (کانار، ۱۳۷۴، ص ۸ و ۳۶۶) و «Merhaba» نیز به معنای «yaşa» است؛ یعنی زنده باشی (همان، ص ۵۷۹).

ل. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان ایرانیان باستان

ایرانیان باستان، طبق برخی تواریخ از بوسیدن و یا خم شدن برای آغاز ارتباط استفاده می‌کردند (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۶۳). اگر لفظ درود نیز در *شاهنامه* برای آغاز ارتباط به کار رفته است، آن را برای ستایش به کار می‌بردند که معنای اصلی آن در فرهنگ‌های لغوی نیز همین ثنا و ستایش است منتهی لغت‌نویسان، به خیال هم‌معنایی سلام با این واژه، آن را به سلام هم ترجمه کرده‌اند (ر.ک: نفیسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۹۲؛ انوری، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۰۹۳).

م. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان هندی

هندوها، برای آغاز ارتباط از «*नमस्कार*» (= namaskār) استفاده می‌کنند (تقوی و پیروزمفرد، ۱۳۸۶، ص ۲۰) و «*नमस*» (= namas) که به معنای خم شدن و احترام و کرنش و درود و ستایش و ثنا است (ر.ک: جلالی نایینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۱).

ن. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان چینی

در زبان چینی، آغاز ارتباط با دیگران را با واژه «*你好*» (= nǐhǎo) آغاز می‌کنند. این تعبیر، به معنای سلام نیست؛ زیرا بخش اول از «*你好*» (= nǐhǎo)، یعنی «*你*» (= nǐ) در زبان چینی، در انگلیسی به معنای «شما» است (داویس، ۱۹۱۱، ص ۶). بخش دوم از «*你好*» (= nǐhǎo) یعنی «*好*» (= hǎo) در انگلیسی، به معنای «خوب» است (همان، ص ۴۸).

س. آغاز ارتباط در فرهنگ و زبان ژاپنی

در فرهنگ ژاپن، چیزی با معانی درود و تحیت و مشابه سلام وجود ندارد، بلکه در ملاقات هنگام صبح تا ظهر در ارتباط غیررسمی می‌گویند: «*おはよう*» (= ohayō = ohhah-yohh) و در ارتباط رسمی می‌گویند: «*おはようございます*» (= ohayō gozaimasu = ohhah-yohh goh-zah-ee-mah-soo)، که هر دو به معنای صبح‌بخیر هستند. در ملاقات، هنگام بعد از ظهر به همه کس می‌گویند: «*こんにちは*» (= kōnnichiwa = kohn-nee-) یا: «*こんばんは*» (= konbanwa = chee-wah)، که به معنای عصربخیر است؛ و در ملاقات هنگام شب می‌گویند: «*おやすみ*» (= oyasumi).

(kohn-bahn-wah) که به معنای شب‌بخیر است (رک: کلارک و همامورا، ۲۰۰۵، ص ۱۲ و ۲۴؛ ساساتو، ۲۰۱۳، ص ۱۱ و ۶۴؛ کارول، ۱۹۹۹، ص ۱۱؛ فرهنگ ژاپنی به انگلیسی، ۱۹۹۲، ص ۴۸۲ و ۴۸۸)؛ گرچه متأسفانه برخی مترجمان، این دست تعابیر را به معنای سلام انگاشته‌اند (رک: پرتو، ۱۳۷۷، ص ۵).

مقایسه الگوی ارتباطی «سلام آغاز» و الگوهای غیراسلامی

پیامبر اکرم ﷺ خود پیش‌تاز مقایسهٔ ارمغان ارتباطی سلام آغاز، با دیگر فرهنگ‌های آن زمان بوده‌اند. این الگو را جایگزین الگوی جاهلیت و یهودی و مسیحی در آغاز ارتباط معرفی کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۵۵). طبق نمونهٔ ارائه شده از الگوهای آغاز ارتباط، که تاکنون ارائه شد، می‌توان گفت: به احتمال زیاد در هیچ‌یک از فرهنگ‌های جهان، از لفظ سلام و یا لفظی که بار معنایی مساوی با سلام داشته باشد، استفاده نشده است. مقایسهٔ این الگوها حکایت از دو تفاوت عمده دارد:

تفاوت اول، تفاوت در معنا و پیام: چند مضمون در ارتباط «سلام آغاز» وجود دارد، که هرگز در الگوهای غیراسلامی وجود ندارند، بلکه این الگوها ارتباط را با نوعی توجه دادن، ستایش و احترام، خوشامد و وقت‌بخیر و تواضع و به‌ندرت، در برخی الگوها (مانند الگوی روسی، عبری و ترکی استانبولی و شاید چینی)، آرزوی سلامتی تن و جسم برای فرد مورد ارتباط آغاز می‌کنند. در همهٔ موارد، نه متضمن سلام به معنای اسم الهی است و نه سلامتی مال و آبرو... و نه حتی دعا برای سلامتی جسمی سلام گیرنده.

تفاوت دوم، تفاوت در هدف ارتباط‌گری: در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»، سلام کردن، مقدمهٔ ارتباط و یا به‌عنوان روشی در برقراری «ارتباط مؤثر» که در فرهنگ‌ها و متون ارتباطی غربی رایج است (رک: باستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲-۱۷۴؛ فرهنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹-۱۱۳) محسوب نمی‌شود؛ زیرا در فرهنگ غرب، مردم بر اساس بررسی و مقایسه هزینه‌های ارتباطی قضاوت می‌کنند و تا زمانی که منافع برابر با هزینه‌ها یا فراتر از آن باشد، روابط صمیمانه است. اما اگر هزینه‌ها از منافع فراتر رود، روابط به تدریج کم‌رنگ می‌شود (برکو و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱). در متون رایج علم ارتباطات نیز از *ارسطو تا شرام* و *تئودور نیوکامپ کلودشن* و *هارونند و جرورگن روش* و... همگی ارتباط را در راستای نفوذ و تأثیرگذاری ارزیابی کرده‌اند (رک: محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۴۳-۴۴).

اما در نظام ارتباطی «سلام آغاز»، سلام کردن به معنای دعا و نثار سلامتی و عافیت همه‌جانبه به مخاطب است و سلام و جواب، خود یک فراگرد ارتباطی کامل است. همچنین طبق روایات، سلام کردن بر هر کس لازم است؛ چه مخاطب را بشناسد و چه نشناسد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۵). همچنین هیچ‌یک از ارزش‌های مادی و منافع شخصی و غیرالهی و «اثربخشی» به معنای داد و ستدی رایج در این فراگرد نقشی ندارند. به همین دلیل، در روایت است هرگاه کسی به مال داران به گونه‌ای غیر از سلام به فقیران سلام کند، خداوند در قیامت بر وی غضب خواهد نمود (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۴۲).

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق در پاسخ به چهار سؤال پژوهش به این شرح است:

آغاز ارتباط در اسلام و بلکه در ادیان الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام با «سلام» است، اما اکنون دیگر اثری از این الگوی ارتباطی در فرهنگ‌های موجود که منتسب به ادیان الهی هستند دیده نمی‌شود. دین اسلام، بر انتشار این نام الهی و نثار آن توسط مسلمانان به همدیگر اهتمام ورزیده و در ترویج و حفظ این الگو و بیان پیام الهی آن کوشیده است.

نظریهٔ هنجاری ارتباط سلام آغاز، دارای هشت بُعد است. مهم‌ترین این ابعاد چنین است: سلام، از اسما حسنا الهی و به معنای عافیت از هر بدی است. ابعاد فقهی، تربیتی، اجتماعی و هنجارهای انگیزشی در ترغیب به استفاده از این الگو و شیوع آن در میان مسلمانان و بیان آثار مادی، معنوی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی آن نیز که در این تحقیق، به طور مفصل از آیات و روایات استخراج شدند، از همین آبشخور تغذیه می‌کنند. معرفی و تبیین عناصر ارتباطی در فرایند ارتباط سلام آغاز، از دیگر نتایج این تحقیق است که معانی مندرج در پیام ارتباطی سلام آغاز و روش‌های ارائهٔ این پیام نیز تبیین شدند.

مدل ارتباطی سلام آغاز، در قالب یک نمودار الگوریتمی ترسیم شد.

این تحقیق نشان می‌دهد که نظریهٔ هنجاری ارتباط سلام آغاز، در دو جهت دارای تفاوت عمیقی با معادل‌های آن در سایر فرهنگ‌ها است:

اولاً، معنا و پیام مندرج در الگوی ارتباطی «سلام آغاز»، که ریشه در سلام به‌عنوان یک نام الهی دارد، دعا و آرزوی سلامت جسمی، روحی، اجتماعی و اخروی برای مخاطب است. این پیام که نثارکنندهٔ اسم سلام الهی و انتشاردهندهٔ آن در جامعه است، به گیرندهٔ آن چنین القا می‌کند که جان، مال و آبروی وی، از ناحیهٔ فرستندهٔ پیام سلام، در ایمن است. به نظر می‌رسد این مضامین والا در الگوهای غیراسلامی وجود ندارد. بنابراین، استفاده از الگوهای جایگزین همچون وقت‌بخیر (صبح‌بخیر، ظهربخیر و ...) و یا انواع دیگر احوال‌پرسی، به جای سلام کردن، بر خلاف نظر اسلام در آغاز ارتباط است. این الگوهای وارداتی هرگز هم‌وزن ارتباط سلام آغاز نیستند.

ثانیاً، الگوی ارتباطی سلام آغاز، هرگز با چارچوب‌ها و تعریف‌های رایج از مقولهٔ ارتباط قابل تبیین نیست؛ زیرا سلام و پاسخ آن در فرهنگ اسلامی، خود یک فراگرد ارتباطی کامل است و هرگز مقدمه برای ارتباط اثربخش و اغراض دنیوی آثار در چارچوب‌های «اثربخشی» به معنای داد و ستدی رایج که گفته شد نیست. بلکه خود پیام متعالی امنیت و سلامت را در ضمن دارد و البته آغاز هر ارتباطی باید با سلام باشد. همان‌طور که سلام دارای آثار اجتماعی مهمی است، اما این اثربخشی، مقصودی است که بالتبع مورد نظر است و مقصود اولیه نیست؛ یعنی امر ارتباط سلام آغاز، در وجود و عدم و کم و کیف خود تابع این منافع نیست.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت.

- ابطحی، محمدحسین و راحله منتظر، ۱۳۹۱، «مفهوم‌شناسی تعاریف و اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در: مجموعه مقالات نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، پیام عدالت.
- ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵، *الكامل*، بیروت، دارالصادر.
- ابن اشعث، محمدبن محمد، بی تا، *الجغریات*، تهران، النینوی.
- ابن حنبل، أحمدبن محمد، ۱۴۲۱ق، *مسندالإمام أحمدبن حنبل*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دارالفکر.
- ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، *الأغانی*، بیروت، داراحیاء تراث عربی.
- ابوداود، سلیمان بن الأشعث، بی تا، *سنن أبی داود*، بیروت، المكتبة العصرية.
- اعرابی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، *تحقیق تطبیقی*، چ دوم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- انوری، حسن، ۱۳۸۳، *فرهنگ سخن*، تهران، سخن.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، *عیار پژوهش*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
- آریان پور، منوچهر، ۱۳۸۵، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، چ ششم، تهران، جهان رایانه.
- آلوسی، محمد شکر، ۱۹۲۴، *بلوغ الأرب*، چ دوم، مصر، المطبعة الرحمانية.
- باستانی، قادر، ۱۳۸۶، *اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران*، چ دوم، تهران، ققنوس.
- بخاری، محمدبن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، *الصحيح*، بیروت، دارطوق النجاة.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، چ دوم، قم، دارالکتب الإسلامية.
- برکو، ری ام و همکاران، ۱۳۸۹، *مدیریت ارتباطات*، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی، چ ششم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیهقی، أحمدبن الحسین، ۱۴۲۳ق، *ثعب الإیمان*، ریاض، مكتبة الرشد.
- پارسایار، محمدرضا، ۱۳۸۵، *فرهنگ فرانسه به فارسی*، چ دوم، تهران، رهنما.
- پرتو، محمد رضا، ۱۳۷۷، *مکالمه ژاپنی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ترمذی، محمدبن عیسی، ۱۹۹۸، *سنن الترمذی*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- تری یاندریس، هریس، ۱۳۸۸، *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، چ سوم، تهران، رسانش و جامعه‌شناسان.
- تقوی، سیدنفیس حیدر و محمدمهدی پیروز مفرد، ۱۳۸۶، *هندی در سفر*، چ دوم، تهران، استاندرد.
- تیرکل، الیعیزر، بی تا، *العبرية بسهولة للناطقين*، بی جا، بی نا.
- جلالی نایینی، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۴، *فرهنگ سانسکریت-فارسی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جمشیدیان، اکرم، ۱۳۸۳، «فرهنگ سلام از منظر قرآن کریم»، *کوثر*، ش ۱۵، ص ۶۴-۷۱.
- جوادعلی، ۱۴۲۲ق، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، چ چهارم، بی جا، دارالساقی.
- چوبین، حسین، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، «سلام در اسلام»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۴۸، ص ۲۳۰-۲۴۰.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۶، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چ سیزدهم، تهران، سمت.
- حرانی، حسن بی‌علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، انتشارات اسلامی.

- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس، بیروت، دارالفکر.
- جمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- حئیم، سلیمان، ۱۳۶۰، فرهنگ عبری - فارسی، چ دوم، تهران، انجمن کلیمیان.
- خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- دادگران، محمد، ۱۳۸۵، مبانی ارتباط جمعی، چ نهم، تهران، مروارید.
- ژیلبر، لازار و مهدی قوام نژاد، ۱۳۸۶، فرهنگ فارسی به فرانسه، چ ششم، تهران، فرهنگ معاصر.
- سج ویک، پیتر و اندرو ادگار، ۱۳۸۷، مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، ترجمه مهرا مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران، آگه.
- سورین، ورنر و تانکارد جیمز، ۱۳۸۶، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ق، الدرالمشور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ____، ۱۴۲۹ق، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر.
- شکرخواه، یونس، ۱۳۷۲، «رمز و رازهای معنی و پیام»، رسانه، ش ۱۲، ص ۱۶-۲۱.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، الأمالی، چ ششم، تهران، کتابچی.
- ____، ۱۳۶۲، النخصال، قم، انتشارات اسلامی.
- ____، ۱۳۸۵، علل الشرائع، قم، داوری.
- ____، ۱۴۰۳ق، معانی الأخبار، قم، انتشارات اسلامی.
- ____، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، چ دوم، قم، انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد کاظم، ۱۳۹۰، منطق فهم حدیث، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، بی تا، المعجم الکبیر، چ دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیة.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۴۴، مشکاة الأنوار، چ دوم، نجف، المکتبة الحیدریة.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الامم والملوک، چ دوم، بیروت، روائع التراث العربی.
- طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ق، مصباح المتبهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة.
- علی اکبری، حسن، ۱۳۹۱، «تأملی به چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در: مجموعه مقالات نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، پیام عدالت.
- عونی عاشور، ۱۹۹۴، تعلم اللغة العبریة، چ دوم، الخلیل، منشورات الوطن.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیة.
- غزالی، ابو حامد محمد، ۱۴۱۶ق، رسائل الإمام الغزالی، بیروت، دارالفکر.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، روضة الواعظین، قم، رضی.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۸۸، ارتباطات انسانی، چ پانزدهم، تهران، رسا.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ____، ۱۴۱۷ق، المحجة البیضاء، چ چهارم، قم، انتشارات اسلامی.
- قمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸ق، قوانین الأصول، چ دوم، قم، علمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، چ چهارم، قم، دارالکتاب.

- کانار، محمد، ۱۳۷۴، فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی، تهران، شیرین.
- کریمی، سعید، ۱۳۷۸، «درس‌هایی از مکتب اسلام»، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سی و نهم، ش ۱۰، ص ۶۰-۶۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- کوفی، فرات‌بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران، وزارت ارشاد.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی، چ چهارم، تهران، نشر نی.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، ۱۳۸۲ق، شرح الکافی، تهران، المکتبه الإسلامية.
- مایرز، گیل‌ای، مایرز، میشله‌تی، ۱۳۸۳، پویایی ارتباطات انسانی، ترجمه حوا صابر آملی، تهران، دانشکده صدا و سیما.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، روضة المتقین، چ دوم، قم، کوشانبور.
- محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۸۵، ارتباط‌شناسی، چ هفتم، تهران، سروش.
- محمدپور، احمد، ۱۳۹۲، روش تحقیق کیفی، چ دوم، تهران، جامعه‌شناسان.
- مسلم بن الحجاج، بی‌تا، الصحيح، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، مجموعه آثار، چ دهم، قم، صدرا.
- مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق (الف)، الأملی، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، ۱۴۱۳ق (ب)، المزار، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- مک کویل، دنیس، ۱۳۸۵، نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجالالی، چ دوم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۰، آداب الصلاة، چ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ، ۱۳۸۳، سر الصلاة، چ نهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- میلر، جرالدر، ۱۳۸۹، ارتباط کلامی، ترجمه علی ذکاوتی قراگزلو، چ چهارم، تهران، سروش.
- وسکانیان، آ، ۱۳۷۴، فرهنگ روسی-فارسی، بی‌جا، جانزاده.
- نسائی، أحمدبن شعیب، ۱۴۲۱ق، السنن الكبرى، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- نظام نیشابوری، ۱۴۱۶ق، غرائب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نفیسی، علی‌اکبر، بی‌تا، فرهنگ نفیسی، تهران، کتابفروشی خیام.
- هارجی، اون و همکاران، ۱۳۹۰، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی، ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، چ پنجم، تهران، رشد.

هردوت، ۱۳۸۲، تاریخ هردوت، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.

Carol Akiyama, 1999, *Nobuo Akiyama; Learn Japanese the Fast and Fun Way*, Barron's Educational series Inc.

Casas, et al, 2006, *Andrew Lockett; Mark Ellingham; Latin american Spanish*, New York & london.

Clarke, Hugh & Motoko Hamamura, 2005, *Colloquial Japanese (Second edition)*, Routledge; New York & london.

Davis, Darrell Haug, 1911, *Chinese-English pocket dictionary (with Mandarin and Shanghai pronunciation)*, T'U-SE-WEI PRESS.

Hakan Yılmaz | Zeki Sözer; *Yabancı Dilim Türkçel*; Yayınları Dilmer.

Irina & Alistair MacLean, 2006, *Rough Guide Russian phrasebook*, London; Lexus Ltd Press.

- Kaufman, et al, 2006, Serafima & Wieda, Nina; Russian FOR dummies; wiley publishing, Inc; USA, Canada & UK ; 2006.
- Marcella Beacco Di Giura, Massia Kaneman-Pougatch, Sandra Trevisi, dynamique Jennepin; Café crème: méthode de français; [pour grands adolescents et adultes] 1, hachette livre francais langue etrangere, 1997.
- Müller & Müller, 2000, *Alice & Stephan; Learning German*, Alpha books; Indianapolis.
- Sandra Anderson, 2005, *Collins English Dictionary*, Glasgow: HarperCollins.
- Sato, Eriko, 2013, *Japanese For Dummies*, John Wiley & Sons, Inc.
- Taranov, Andrey, 2012, *Turkish vocabulary for English speakers-5000 words*, T&P Books Publishing.
- Whitlam, John, 2011, *Modern Brazilian Portuguese Grammar)A Practical Guide*, Routledge, New York & london.
- 研究社日英辞典, 1992, *The kenkyusha japanese -english learner's dictionary*, Kenkyusha, Japan.

